

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

ا.م. شیری  
۱۲ اسد ۲۰۲۳

## پرچمی در اهتزاز، دو پرچم زیر پای



واقعیت آشکاری است که در جهان امروز، کمتر کشوری یافت می‌شود که مردم آن، پرچم فلسطین را به اهتزاز درنیاورد و پرچم‌های امریکا و اسرائیل را آتش نزند و به زیر پا نیندازد. آیا این اقدام، نوعی خود آرامی و خود تسکینی است و یا نشان و نمونه‌ای است از روندی در سطح جهانی که رو به تکوین و تکامل می‌رود؟ پرچم‌های امریکا و اسرائیل در زیر پای

برخی‌ها، بدون این که زحمت تأمل و تفکر به خود دهند، بدون این که در پی شناخت علل و عوامل موجد آن شرایطی باشند که مردم جهان انزجار و کین مقدس خود را با چنین شیوه‌ای نشان می‌دهند، با سادگی کودکانه و بلاهتی جاهلانه، آن را قطعه پارچه‌ای می‌انگارند که خود مردم به رنگ پرچم فلان کشور در آورده و آتش می‌زنند.

اما، واقعیات جهان هستی بسیار سرسخت‌تر از آنند که با این سادگی و سادملوحی بتوان پاسخ آن‌ها را یافت. نه این که کم، بسیاری کسانی که در برخورد با واقعیات‌های هنجار و ناهنجار جهان هستی، به تسلیم و تقدیرگرائی پناه می‌برند و از توضیح و تشریح آن‌ها سربازند می‌زنند و هر چه را که هست معشیت الهی- ابدی می‌پندارند. از این رو، نقش توده‌ها در تکامل تاریخی و سعی و تلاش در جهت تغییر واقعیات‌ها را بی‌جا و بی‌معنی می‌دانند.

واقعیات‌ها، خارج از اذهان و تصورات وجود و حضور دارند و عمل می‌کنند. جهان موجود واقعی است بیرون از ذهن، نا ثابت و با وضعیتی ناپایدار. تغییر می‌کند، تحول می‌یابد و در جهت کمال ترقی و تعالی به پیش می‌رود. واقعیات‌های موجود امروز، دیروز نبودند و فردا نیز واقعیات‌های خاص خود را نشان خواهد داد. سیل بنیان‌کن زمان هر مانعی را، هر تلاشی را که بخواهد در مقابل روند قانونمند تکامل سد ایجاد نماید، از سر راه خود می‌سزدد، رسوا می‌کند، و در کمال بدنمایی، در دریای خروشان تاریخ، به صورت لکه‌های ننگین اما درس‌آموز، شناور می‌سازد.

اجتماعات اولیه انسانی، برده‌داری و فئودالیسم واقعیات بودند، واقعیات‌هایی که مردم با عبور از دریای خون، آن‌ها را تغییر دادند. استعمار، چه در شکل کهنه و چه در انواع مدرن خود و سرمایه‌داری امپریالیستی نیز واقعیات دارند. به گونه‌ای که تاریخ نشان می‌دهد، هیچ پدیده‌ای را به صرف واقعی بودن نمی‌توان بلا تغییر و ابدی پنداشت. بشریت ناچار است راه خود از میان دریای آتش و خون بیابد و به پیش رود. هر کس و یا هر نظمی را که با اقدامات خود سعی کند، در مسیر تکامل تاریخ مانع ایجاد نماید، تنها به هر چه بزرگتر و ننگین‌تر شدن آن لکه‌های ننگ شناور در دریای تاریخ کمک می‌رساند.

ستم استعمار انگلیس در شبه قاره هند، استعمار فرانسه، هالند، پرتگال، اسپانیا، بلجیم و ... در افریقا و آسیا و امریکای لاتین، گشتار میلیونی خلق ویتنام، بمباران اتمی شهرهای جاپان، جنگ‌های استعماری هندوچین، جنگ تریاک علیه چین، جنگ‌های جهانی و فاشیسم، اشغال یوگسلاوی، عراق، آتش زدن فلوجه با بمب‌های فسفری و هزاران فاجعه دیگر، در دوران‌های گذشته و حاضر افسانه نبوده و نیستند، واقعیاتی‌اند که، در همه دوره‌های تاریخی، با لعن و نفرین از آن‌ها و عاملان و مجریان‌شان یاد شده و می‌شود.

اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، چکوسلاواکی، المان دموکراتیک، یوگسلاوی فدرال نیز واقعیات داشتند، تغییر یافتند، قطعه- قطعه شدند. واقعیاتی که تغییر آن‌ها، توازن نیروهای مترقی و مرتجع جهانی را به نفع ارتجاع و امپریالیسم به هم زد و فاجعه عموم بشری را رقم زد. امپریالیسم جهانی و در رأس آن امریکا نیز با بیش از نهصد پایگاه نظامی‌اش، به ویژه، با بزرگترین آن‌ها- اسرائیل- نیز با همه تاریخ جعلی و سپاه خود قابل کتمان و انکار نیستند و نمی‌توان عمر جاوید بر آن‌ها متصور شد. بگذار به هیچ جای عمال ریز و درشت امپریالیسم که در جریان تخریب سوسیالیسم از اعماق حافظه خود رسوبات تبلیغات امپریالیستی را بیرون کشیده و به سرور و شادمانی پرداختند، برنخورد که با هارتر شدن هر چه بیشتر امپریالیسم جهانی، با تشدید کشتارها و اشغال‌ها و غارتگری‌های آن، انسان‌های بیشتری بیدار خواهند شد و دیر یا زود، جهان را در مسیر تغییر بنیادی و ماهوی هدایت خواهند کرد. اعتراض و انزجار عمومی مردم، جهان را به سمت عالی‌تر متحول خواهد ساخت.

این واقعیات که امروز پرچم فلسطین، فلسطینی که در طول بیش از ۷۰ سال، شاهد تجاوزات، قتل‌های عام و نسل‌کشی‌های فراوان بوده است، در بالای دستان مردم در شهرهای مختلف جهان، در قلب کشورهای امپریالیستی و

ارتجاعی به اهتزاز درمی‌آید، تصاویر و پیراهن خونین زنان و خردسالان فلسطینی به پرچم دست مردم تبدیل می‌شود و پرچم‌های امریکا و اسرائیل به آتش کشیده می‌شوند و به زیر پا می‌افتند، حکایت از این درک عمومی مردم جهان دارد که در صورت ادامه حیات امپریالیسم، جهان روی امنیت و آسایش نخواهد دید؛ آتش جنگ‌ها، بمباران‌ها، تجاوزات و توحش خاموش خواهد شد؛ نشاندهنده آن است که جهان مجبور است به سوی تحولی ژرف، تحول کیفیاً نوینی پیش رود. این عمل، بازتاب آن واقعیت عینی است که مردم جهان تا ابد نمی‌تواند شاهد بی‌تفاوت کشتار اطفال شیرخوار، کودکان، زنان حامله، مادران و دختران، جوانان و پیران فلسطینی و دیگر کشورهای جهان به وسیله ماشین تروریستی-جنگی امپریالیسم باشد. بگذار سران امپریالیسم، دول دست‌نشانده آن‌ها و حاکمیت‌های ارتجاعی که ثروت‌ها و دارائی‌های مردم و کشور خویش را برای حفظ و حراست از امپریالیسم و در جهت به راه‌انداختن ماشین سرکوب آن صرف می‌کنند، تا دوام و بقاء حاکمیت خویش را در سایه ادامه حیات امپریالیسم تأمین نمایند، علت‌ها را کتمان نکنند و در پشت تبلیغات واهی، چهره خود را پنهان نسازند و قبول کنند که این عمل جهانی، بسیار فراتر از یک خود نمائی بیهوده است. بگذار خود را نفرینند که این صرفاً یک قطعه پارچه است که آتش زدن و لگدکوب کردن آن، چیزی را تغئیر نمی‌دهد.

این واقعیت قانونمند را نمی‌توان فراموش کرد، همچنان که نظام‌های برده‌داری و فئودالی با داغ و درفش و هزاران نوع جنایت دیگر علیه بشریت نتوانستند، عمر خود را ابدی سازند، سرمایه‌داری نیز صرف‌نظر از این که خود را به هر شکل و شمایی درآورد، نمی‌تواند با باراندن آتش بر سر مردم و شهرهای فلسطین و دیگر کشورها، با قتل‌های عام، با نمایش توحش و بربریت خود و با توسل به قدرت نظامی و سرکوب به شیوه تروریستی، به عمر جاوید دست یابد. باید قبول کرد که آتش زدن و به زیر پای انداختن پرچم امریکا و اسرائیل، سمبل، تجسم و نماد خواست‌ها و آرزوهای مردم جهان است که امروز بدین شیوه بیان می‌شود و فردا، هیچ نیروئی را توان باز ایستاندن آن نیست!

۱۰/۱۳۸۷/۲۲

۲۰ مرداد-اسد ۱۴۰۲